

بررسی جایگاه فضای مجازی در تحول ساختار دولت-ملت: مطالعه موردی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس

سیدرضا علیخانی^۱، حسن عیوض زاده اردبیلی^۲، سیدفرشید جعفری پابندی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۲

چکیده: تحول ساختارهای سیاسی و اجتماعی در دنیای معاصر تحت تأثیر پدیده‌های نوینی همچون فضای مجازی قرار گرفته است. در این تحقیق، نقش و جایگاه فضای مجازی در تغییر و تحول ساختار دولت/ملت در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس مورد بررسی قرار می‌گیرد. این پژوهش به‌ویژه بر تأثیرات فضای مجازی در زمینه‌های مشروعیت سیاسی، مشارکت شهروندی و روابط دولت-ملت در کشورهای با رژیم‌های اقتدارگرا متمرکز است. از آنجایی که این کشورها دارای ساختارهای سلطنتی و نیمه‌دموکراتیک هستند، واکنش‌های آن‌ها به فضای مجازی و بهره‌برداری از این ابزار جدید به شکل‌گیری و تغییر در هویت‌های سیاسی و اجتماعی کمک کرده است. سوال اصلی این مقاله آن است که فضای مجازی چه تأثیری بر ساختارهای سنتی مشروعیت در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس داشته است؟ فرضیه تحقیق با عنایت به مولفه‌های فضای مجازی نظیر آگاهی‌بخشی، مسئول‌سازی دولت‌ها و وابستگی به فناوری، به‌نظر می‌رسد این مفهوم در تحول ساختار دولت/ملت در کشورهای فوق، به‌ویژه از حیث سیاسی و حاکمیتی، تأثیرگذار بوده و نقش عمده‌ای در شکل‌گیری و تغییر ساختارهای قدرت ایفا نموده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که علی‌رغم تلاش دولت‌ها برای کنترل و محدودسازی استفاده از فضای مجازی، این فضا توانسته است به بستری برای آگاهی‌بخشی، اعتراضات اجتماعی و بسیج سیاسی تبدیل شود. نتایج تحقیق بیانگر آن است که فضای مجازی نه تنها به‌عنوان ابزار اطلاع‌رسانی بلکه به‌عنوان یک کانال مؤثر در شکل‌دهی به هویت سیاسی و اجتماعی شهروندان، در تحول روابط دولت-ملت نقش عمده‌ای ایفا کرده است. پدیده‌هایی مانند مشارکت دیجیتال، شفافیت بیشتر و نقد اجتماعی در کشورهایی با رژیم‌های اقتدارگرا در مقایسه با گذشته افزایش یافته است.

واژگان اصلی: فضای مجازی، دولت-ملت، شورای همکاری خلیج فارس، جامعه مدنی دیجیتال، اقتدارگرایی سایبری.

^۱ دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران

^۲ . استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران

^۳ . استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران

مقدمه

در عصر حاضر، فضای مجازی به عنوان یکی از پدیده‌های برجسته در عرصه جهانی مطرح است که اثرات عمیق و گسترده‌ای در تمامی ابعاد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جوامع داشته است. این فضا نه تنها به عنوان ابزاری برای ارتباطات فردی و جمعی شناخته می‌شود، بلکه به یکی از مهم‌ترین ابزارهای تأثیرگذار در تحولات سیاسی و اجتماعی در سطح جهانی تبدیل گردیده است. در این میان، فضای مجازی نقش کلیدی در تغییرات و تحولات ساختاری دولت/ملت ایفا کرده است، به ویژه در کشورهای با ساختارهای اقتدارگرا و نیمه‌دموکراتیک که کنترل دولت‌ها بر رسانه‌ها و فضای عمومی به شدت محسوس است.

کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، که عمدتاً دارای رژیم‌های سلطنتی و اقتدارگرا هستند، در معرض چالش‌های جدیدی قرار گرفته‌اند که ناشی از گسترش فناوری‌های نوین و فضای مجازی است. این کشورها با وجود ساختارهای سیاسی سستی و محدودیت‌های جدی در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی، به طور فزاینده‌ای به این فضای جدید روی آورده‌اند. در این فضا، علاوه بر امکانات جدید اطلاع‌رسانی و ارتباطات، چالش‌های متعددی مانند اعتراضات اجتماعی، نارضایتی سیاسی، و تقاضای مشارکت بیشتر شهروندان به وجود آمده است که ساختارهای سستی دولت/ملت را تهدید کرده است.

در این مقاله، تلاش شده است تا جایگاه فضای مجازی در تحول ساختار دولت/ملت در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس بررسی شود. این تحقیق به ویژه بر دو جنبه مهم تأثیر فضای مجازی متمرکز است: اول، تأثیر آن بر مشروعیت سیاسی دولت‌ها و نحوه واکنش این دولت‌ها به این فضا؛ دوم، نقش آن در تغییر روابط دولت و ملت از منظر مشارکت سیاسی و اجتماعی. با توجه به وجود پدیده‌هایی چون نظارت سایبری، محدودسازی آزادی‌های دیجیتال، و در عین حال استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای بسیج سیاسی، مطالعه تطبیقی این کشورها می‌تواند دریچه‌ای جدید برای فهم تعاملات سیاسی و اجتماعی در دنیای دیجیتال گشوده و به ارزیابی چالش‌ها و فرصت‌های آن بپردازد.

این تحقیق همچنین می‌کوشد با تحلیل تجارب کشورهای مختلف عضو شورای همکاری خلیج فارس، چگونگی شکل‌گیری و تحولات جدید در سیاست‌های فضای مجازی این کشورها را بررسی کرده و تأثیرات آن را بر ساختارهای سیاسی و اجتماعی موجود تحلیل کند. این امر می‌تواند به سیاست‌گذاران و محققان کمک کند تا درک بهتری از نقش فضای مجازی در تحول دولت‌ها در

کشورهای عربی و به‌طور خاص در منطقه خلیج فارس به‌دست آورند.

در نهایت، این تحقیق امیدوار است به شناخت عمیق‌تری از فرآیندهای پیچیده در حال وقوع در این کشورها پرداخته و ضمن بررسی معایب و مزایای فضای مجازی، پیشنهادهایی برای بهره‌برداری بهینه از این فضا در راستای تقویت مشارکت اجتماعی، ارتقای شفافیت و کاهش قدرت‌های اقتدارگرا ارائه دهد.

مبانی نظری

در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، فضای مجازی در عین حال که بستری برای افزایش شفافیت و مشارکت فراهم کرده، به ابزاری برای کنترل سیاسی و حفظ نظم اقتدارگرایانه نیز بدل شده است. این دوگانه در پرتو نظریه‌های معاصر مانند "اقتدارگرایی دیجیتال" و "جامعه مدنی دیجیتال" به خوبی قابل تحلیل است.

۱. نظریه اقتدارگرایی دیجیتال^۱ و امنیت سایبری

این نظریه به بررسی چگونگی استفاده دولت‌ها، به‌ویژه دولت‌های اقتدارگرا، از فناوری‌های دیجیتال برای نظارت، محدودسازی آزادی‌های سیاسی و تقویت مشروعیت خود می‌پردازد. در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس که رژیم‌های سلطنتی و نیمه‌دموکراتیک دارند، فضای مجازی به‌عنوان ابزاری برای کنترل و نظارت بر شهروندان و همچنین تقویت قدرت دولتی استفاده می‌شود. در این کشورها، فضای مجازی نه تنها می‌تواند به افزایش آگاهی و مشارکت اجتماعی منجر شود بلکه برای دولت‌ها به ابزاری برای تقویت اقتدارگرایی و نظارت اجتماعی تبدیل شده است. این نظریه با توجه به ماهیت اقتدارگرایانه بیشتر کشورهای منطقه و چگونگی کنترل فضای مجازی توسط دولت‌ها، از جمله نظارت بر شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها، بسیار مناسب به نظر می‌رسد.

بر اساس نظریه اقتدارگرایی دیجیتال، دولت‌های اقتدارگرا از فناوری‌های اطلاعاتی نه برای دموکراتیزه کردن سیاست، بلکه برای تقویت نظارت، سانسور، و مشروعیت‌سازی بهره می‌برند.

(Howard, 2010: 45; Morozov, 2011: 12)

کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نیز با ایجاد ساختارهایی مانند ادارات رصد سایبری، نظارت بر شبکه‌های اجتماعی و مجازات فعالیت‌های آنلاین منتقدانه، سعی می‌کنند اقتدار دولت را

^۱ Digital Authoritarianism

در عرصه دیجیتال حفظ کنند. (Deibert, 2015:9; Al-Rawi, 2016: 14) در عین حال، همکاری‌های منطقه‌ای مانند ایجاد "مرکز امنیت سایبری شورای همکاری خلیج فارس" به عنوان واکنشی به تهدیدات مشترک، نمونه‌ای از همگرایی امنیتی دیجیتال است (Bronk & Tikk, Ringas, 2013: 21).

۲. نظریه جامعه مدنی دیجیتال^۱ و مشارکت شهروندی

نظریه جامعه مدنی دیجیتال به اهمیت فضای مجازی در تسهیل فعالیت‌های مدنی و اجتماعی می‌پردازد و تأکید دارد که چگونه افراد و گروه‌ها از این فضا برای سازمان‌دهی اعتراضات، بسیج سیاسی و تقویت حقوق بشر استفاده می‌کنند. این نظریه می‌تواند در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نیز مفید باشد، جایی که فضای مجازی به عنوان ابزاری برای شکل‌دهی به اعتراضات، فعالیت‌های اجتماعی و انتقاد از دولت‌ها استفاده می‌شود. اگرچه نظارت شدید دولتی بر فضای مجازی وجود دارد، اما باز هم این فضا فرصت‌هایی برای تحرکات مدنی و نقد اجتماعی فراهم می‌آورد. علی‌رغم نظارت شدید، فضای مجازی بستر مهمی برای کشگری مدنی، اعتراضات و نقد اجتماعی فراهم کرده است. (Shirky, 2011: 11; Awan, 2017: 6) کاربران در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از پلتفرم‌هایی چون توییتر و یوتیوب برای مطالبه‌گری، افشای فساد و بسیج اجتماعی استفاده می‌کنند که نموده‌هایی از شکل‌گیری جامعه مدنی دیجیتال در بسترهای کنترل شده است. (Al-Kandari & Dashti, 2014: 56)

۳. نظریه دولت-ملت دیجیتال^۲

این نظریه به چگونگی تطبیق دولت‌های سنتی با واقعیت‌های دیجیتال و تغییراتی که در ساختارهای دولتی و ملت‌ها به وجود می‌آید می‌پردازد. در این چارچوب، فضای مجازی نه تنها به عنوان ابزاری برای افزایش مشارکت سیاسی و اجتماعی، بلکه به عنوان ابزاری برای بازتعریف مفهوم دولت-ملت در دنیای دیجیتال دیده می‌شود. در این نظریه، دولت‌ها از ابزارهای دیجیتال برای تقویت هویت ملی، افزایش مشروعیت خود و مدیریت بحران‌های اجتماعی استفاده می‌کنند. برای کشورهای شورای همکاری خلیج فارس که دارای دولت‌های نیمه‌دموکراتیک و ساختارهای سلطنتی هستند، این نظریه نیز کاربرد دارد، چرا که فضای مجازی در این کشورها

¹ Digital Civil Society

² Digital Nation-State

به عنوان ابزاری برای بازسازی روابط دولت/ملت و تحولات هویتی و اجتماعی می تواند اثرگذار باشد.

بازتعریف قدرت در چارچوب دولت-ملت دیجیتال بدین ترتیب است که نظریه دولت-ملت دیجیتال بر تغییر شکل قدرت و مشروعیت در عصر اطلاعات تأکید دارد. (Fountain, 2001:23) در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، قدرت دولت به جای تمرکز صرف، در تعامل با بازیگران جدیدی چون پلتفرم های فناوری، اینفلوئنسر ها و جامعه مدنی بازتوزیع شده است. این وضعیت ساختار حکمرانی را از مدل های سلسله مراتبی به الگوهای شبکه ای سوق داده است (Chadwick, 2007:41; Castells, 2009:18).

۴. نظریه مشروعیت ارتباطی^۱

این نظریه از نظریات هابرماس است و بر اهمیت گفت و گو و تبادل آزاد اطلاعات در ایجاد مشروعیت سیاسی تأکید دارد. در شرایطی که فضای مجازی می تواند ابزاری برای آگاهی بخشی و شکل دهی به گفت و گوهای عمومی باشد، این نظریه می تواند به تحلیل نحوه افزایش مشروعیت سیاسی در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، جایی که دولت ها به طور سستی بر اطلاعات کنترل دارند، کمک کند. فضای مجازی می تواند به تقویت مشروعیت سیاسی از طریق آگاهی عمومی و مشارکت شهروندان کمک کند.

با توجه به ویژگی های خاص کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و نقش کلیدی فضای مجازی در تحول روابط دولت/ملت، نظریه "اقتدارگرایی دیجیتال" به ویژه برای مطالعه این کشورها مناسب تر به نظر می رسد. چرا که این کشورها دارای رژیم های اقتدارگرا و نیمه دموکراتیک هستند که در آنها فضای مجازی به عنوان ابزاری برای تقویت نظارت و کنترل اجتماعی استفاده می شود، در عین حال که به عنوان یک ابزار برای شکل دهی به مقاومت و نقد نیز عمل می کند. این نظریه به طور ویژه کمک می کند تا تأثیر فضای مجازی را بر ساختارهای سیاسی، اجتماعی و حاکمیتی کشورهای منطقه بررسی کرده و چگونگی استفاده از این فضا توسط دولت ها برای حفظ یا تغییر مشروعیت و قدرت خود را تحلیل نماییم.

مشروعیت ارتباطی در بستر فضای مجازی، با الهام از نظریه مشروعیت ارتباطی هابرماس می توان گفت که در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، فضای مجازی می تواند بستری برای

¹ Communicative Legitimacy

افزایش مشروعیت دولت از طریق گفت‌وگوهای عمومی و پاسخگویی بیشتر باشد. (Habermas, 1984: 23) اگرچه کنترل اطلاعات یکی از ویژگی‌های سستی این دولت‌هاست، اما فشار اجتماعی ناشی از ارتباطات دیجیتال، دولت‌ها را به شفاف‌سازی و ارتباط دوسویه بیشتر سوق داده است (Thompson, 2005:74).

دولت-ملت و تحولات ساختاری آن

مفهوم «دولت-ملت» یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل است. این مفهوم از قرن ۱۷ میلادی به‌ویژه پس از صلح وستفالی، به‌عنوان قالب غالب سامان‌دهی سیاسی در جهان شناخته شد. از منظر نظریه‌پردازانی همچون چارلز تیلی، بندیکت اندرسون و ارنست گلنر، دولت-ملت به معنای ساختاری است که در آن یک دولت دارای حاکمیت بر یک جمعیت مشخص در قلمرو سرزمینی معین است که از نوعی هویت ملی مشترک برخوردارند. در این چارچوب، مشروعیت سیاسی، اقتدار متمرکز، هویت ملی و مرزهای سرزمینی از عناصر کلیدی دولت-ملت تلقی می‌شود.

با گسترش جهانی‌شدن، تحولات فناورانه، مهاجرت‌های فراملی و ظهور بازیگران غیردولتی، ساختار دولت/ملت در دهه‌های اخیر با چالش‌هایی بنیادین روبه‌رو شده است. از جمله این چالش‌ها می‌توان به فرسایش مرزهای سرزمینی در مدیریت اطلاعات، کاهش انحصار دولت بر منابع مشروعیت و اطلاع‌رسانی، و تقویت هویت‌های فراملی یا فرامحلی اشاره کرد.

فضای مجازی و بازتعریف قدرت سیاسی

فضای مجازی به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین نمودهای دگرگونی تکنولوژیک در قرن بیست‌ویکم، نظم سیاسی سستی را تحت تأثیر قرار داده است. بر اساس نظریه «جامعه شبکه‌ای» مانوئل کاستلز، فناوری اطلاعات ساختار قدرت را از حالت متمرکز و سلسله‌مراتبی به حالت شبکه‌ای، توزیعی و سیال تغییر داده است. در این بستر جدید، کنشگران غیردولتی، کاربران فردی، گروه‌های فشار و حتی هویت‌های جمعی مجازی، توانسته‌اند نقش فعالی در عرصه سیاست ایفا کنند.

فضای مجازی با تقویت آگاهی عمومی، تسهیل ارتباطات افقی، افزایش شفافیت و فراهم کردن بسترهای مشارکت سیاسی، توانسته است در مسئول‌سازی دولت‌ها و نظارت عمومی نقش کلیدی ایفا کند. مفاهیمی چون «افکار عمومی دیجیتال»، «کنشگری شبکه‌ای»، و «شهروند الکترونیک» امروز به‌عنوان ابزارهایی برای تضعیف انحصار اطلاعاتی دولت‌ها و بازتعریف رابطه دولت-جامعه در نظر گرفته می‌شوند.

وضعیت کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در بستر فضای مجازی

کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس (شامل عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر، کویت، عمان و بحرین) به رغم برخورداری از ثروت‌های کلان نفتی و ساختارهای حاکمیتی پادشاهی، در دهه‌های اخیر با چالش‌هایی ناشی از تحولات فضای مجازی مواجه شده‌اند. از یک سو، این کشورها تلاش کرده‌اند با توسعه زیرساخت‌های اینترنت و راه‌اندازی دولت‌های الکترونیک، خود را همگام با فناوری‌های نوین نشان دهند؛ از سوی دیگر، با اتخاذ سیاست‌های کنترلی و نظارتی، فضای مجازی را محدود و نظارت‌شده نگه دارند.

بررسی‌های میدانی و گزارش‌های نهادهایی نظیر خانه آزادی^۱، گزارشگران بدون مرز^۲، فشارسنج عربی^۳ نشان می‌دهد که اغلب این کشورها در فهرست کشورهای «غیرآزاد» در حوزه اینترنت طبقه‌بندی می‌شوند. با این حال، رشد سریع دسترسی به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی نظیر توئیتر، اینستاگرام و یوتیوب، زمینه‌ساز افزایش آگاهی، شکل‌گیری جنبش‌های مجازی و حتی اعتراضات محدود شده است؛ مانند فعالیت‌های شبکه‌ای در بحرین در جریان اعتراضات ۲۰۱۱، یا کمپین‌های مبارزه با فساد در عربستان و کویت. همچنین، دولت‌های این منطقه نیز در حال بازتعریف روش‌های حکمرانی خود هستند؛ به‌طوری‌که پدیده‌هایی چون «اقتدارگرایی دیجیتال» که در آن دولت‌ها از ابزارهای فناوری برای کنترل، سانسور و مانیتورینگ استفاده می‌کنند، به‌طور چشمگیری در حال گسترش است.

تحول ساختار دولت-ملت در عصر انقلاب اطلاعاتی و گسترش فضای مجازی، به‌ویژه در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، روندی پیچیده و چندلایه است که تحت تأثیر نیروهای متنوع فناوری، سیاسی و اجتماعی قرار گرفته است. این روند به شکل‌گیری دولت‌هایی با ویژگی‌های جدید به شرح زیر منجر شده است.

۱. تغییرات ساختاری دولت در عصر فضای مجازی

گسترش فضای مجازی و انقلاب فناوری اطلاعات، ساختار و کارکردهای دولت‌مدن را به طور بنیادین دگرگون کرده است. بر اساس نظریه انتقادی فناوری، فضای مجازی موجب شکل‌گیری

^۱ Freedom House

^۲ Reporters Without Borders

^۳ Arab Barometer

دولت‌هایی با ویژگی‌های زیر شده است:

الف. دولت شبکه‌ای^۱

با گسترش فناوری اطلاعات، ساختارهای سنتی دولت که مبتنی بر بوروکراسی متمرکز و سلسله‌مراتب عمودی بودند، به سمت الگوهای شبکه‌ای و افقی تحول یافته‌اند. در دولت شبکه‌ای، تصمیم‌گیری‌ها به صورت چندسطحی، تعاملی و میان‌نهادی انجام می‌شود. این مدل دولت به‌ویژه در کشورهایی مانند امارات متحده عربی و قطر که برنامه‌های گسترده‌ای برای دولت الکترونیک اجرا کرده‌اند، قابل مشاهده است. (Castells, 2009: 16; Chadwick, 2007: 45)

در این کشورها، تعامل بین دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی در بستر دیجیتال گسترش یافته و شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های ارتباطی به ابزارهایی برای سیاست‌گذاری مشارکتی بدل شده‌اند. (Al-Rawi, 2016: 30)

ب. دولت رسانه‌ای^۲

رسانه‌های اجتماعی دولت‌ها را وادار به شفافیت و پاسخ‌گویی بیشتر کرده‌اند. در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، دولت‌ها برای حفظ مشروعیت و مدیریت افکار عمومی در فضای مجازی، حضوری فعال در شبکه‌های اجتماعی دارند. به عنوان نمونه، دولت عربستان سعودی از رسانه‌های دیجیتال برای اطلاع‌رسانی، مقابله با اخبار جعلی و تبیین سیاست‌ها استفاده می‌کند. (Kraidy, 2013: 16).

این نوع دولت با رسانه گره خورده و برای شکل‌دهی به روایت‌ها و کنترل گفتمان عمومی، ناگزیر به بهره‌گیری از فناوری‌های اطلاعاتی است. (Thompson, 2005: 75)

ج. دولت مجازی^۳

بسیاری از فرایندهای دولتی و خدمات عمومی در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به محیط دیجیتال منتقل شده‌اند. دولت‌ها به سمت هوشمندسازی، اتوماسیون و ارائه خدمات دولتی آنلاین پیش رفته‌اند. امارات متحده عربی با پروژه‌هایی مانند دبی هوشمند^۴ و چشم انداز امارات

¹ Networked State

² Mediatized State

³ Virtual State

⁴ Smart Dubai

متحدہ ۲۰۲۱^۱ به عنوان نمونه بارز دولت مجازی شناخته می‌شود. (Al-Khouri, 2012: 71)

دولت مجازی نه تنها خدمات سستی را دیجیتال می‌کند، بلکه بسترهایی برای تعامل دوطرفه و مشارکت شهروندان فراهم می‌سازد. (Fountain, 2001:96)

د. دولت فراملی یا فراقلمروی^۲

در عصر فضای مجازی، مرزهای جغرافیایی در بسیاری از حوزه‌ها، به‌ویژه اقتصاد دیجیتال، امنیت سایبری، و فرهنگ، اهمیت کمتری یافته‌اند. دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس نیز با چالش‌های فراملی همچون جرایم سایبری، نفوذ فرهنگی و مهاجرت دیجیتال مواجه‌اند و ناگزیر به همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای تنظیم مقررات و امنیت فضای مجازی شده‌اند (Deibert, 2013; Nye, 2010: 12).

همچنین ظهور قدرت‌های غیردولتی در فضای سایبری، حاکمیت دولت‌ها را به چالش کشیده و مفهوم سستی حاکمیت را به سمت همکاری شبکه‌ای با بازیگران غیردولتی سوق داده است. در نهایت می‌توان استنباط نمود که تحول دولت در عصر فضای مجازی، روندی چندلایه و تدریجی است که به شکل‌گیری دولت‌هایی با ساختار و کارکردهای نوین انجامیده است. کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، با وجود تفاوت‌های داخلی، در کل گرایش شدیدی به دیجیتالی شدن، حکمرانی شبکه‌ای و حضور فعال در رسانه‌های اجتماعی نشان داده‌اند. این تحول هم فرصت‌هایی برای مشارکت و توسعه فراهم کرده و هم چالش‌هایی نو برای امنیت و مشروعیت ایجاد کرده است.

۲. تاثیر فضای مجازی بر دولت-ملت در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس

در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، فضای مجازی همزمان فرصت‌ها و چالش‌هایی را برای ساختار دولت-ملت پدید آورده است:

الف. تقویت همکاری‌های منطقه‌ای در امنیت سایبری:

تهدیدات فزاینده سایبری باعث شده دولت‌های عضو شورای همکاری خلیج فارس به سوی همگرایی در سیاست‌گذاری امنیت دیجیتال گرایش یابند. «ایجاد» مرکز سایبری شورای همکاری «و» برگزاری رزمایش‌های مشترک دیجیتال نمونه‌ای از این رویکرد است. (Bronk & Tikk, 2013: 56)

¹ UAE Vision 2021

² Post-territorial State

ب. افزایش مشارکت و توانمندسازی شهروندان: بسترهای دیجیتال نظیر توییتر و اینستاگرام نقش مهمی در تسهیل مشارکت سیاسی و اجتماعی ایفا کرده‌اند و زمینه‌ساز شکل‌گیری نهادهای جدید پاسخگویی شده‌اند. (Al-Kandari & Dashti, 2014: 14) این مشارکت می‌تواند مشروعیت دولت را تقویت کند، اما در برخی موارد به شکل‌گیری اعتراضات نیز منجر شده است. ج. تغییر در مفهوم قدرت و حکمرانی:

فضای مجازی منجر به بازتوزیع قدرت از دولت به کنشگران غیردولتی شده است؛ شرکت‌های فناوری، اینفلوئنسرها و گروه‌های مدنی اکنون می‌توانند در فرآیند سیاست‌گذاری و گفتمان‌سازی مشارکت مؤثر داشته باشند. (Chadwick, 2007: 36)

د. افزایش آسیب‌پذیری‌ها و تهدیدات جدید: حملات سایبری گسترده مانند مورد شرکت آرامکو در سال ۲۰۱۲ نشان داد که زیرساخت‌های حساس دیجیتال هدف حملات فزاینده‌اند. (Bronk & Tikk-Ringas, 2013: 45) این وضعیت دولت‌ها را وادار به سرمایه‌گذاری بیشتر در امنیت سایبری و تنظیم‌گری فضای مجازی کرده است. (Deibert, 2015: 73)

۳. پیامدهای اجتماعی تحول دولت در عصر فضای مجازی:

الف. بازتعریف رابطه دولت و شهروند

با گسترش فضای مجازی، رابطه میان دولت و شهروندان به صورت تعاملی‌تر و مستقیم‌تر بازتعریف شده است. در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، دولت‌ها از بسترهای دیجیتال برای ارائه خدمات، دریافت بازخورد و حتی مشارکت شهروندان در سیاست‌گذاری بهره می‌برند. این امر به افزایش سرمایه اجتماعی دیجیتال منجر شده و شهروندان، به‌ویژه نسل جوان، احساس نزدیکی بیشتری با فرایندهای حکمرانی پیدا کرده‌اند. (Al-Kandari & Dashti, 2014: 65)

ب. تقویت هویت‌های فراملی و اجتماعی جدید

فضای مجازی بستری برای شکل‌گیری هویت‌های فرهنگی، دینی، قومی و جنسیتی متنوع‌تر از مرزهای ملی فراهم کرده است. در جامعه‌ای مانند عربستان یا کویت که ساختار اجتماعی بر پایه قبیله، مذهب یا خانواده است، فضای مجازی می‌تواند هم عاملی برای تضعیف نظم اجتماعی سنتی باشد و هم فرصتی برای بیان هویت‌های جدید. (Anderson, 2015: 87) این امر گاه با مقاومت‌های فرهنگی و سیاست‌های کتتری دولت مواجه می‌شود.

ج. چالش‌های نابرابری دیجیتال

در حالی که دولت‌ها به سمت دیجیتالی کردن خدمات حرکت می‌کنند، نابرابری در دسترسی به اینترنت، سواد دیجیتال، و ابزارهای فناورانه، می‌تواند به حاشیه‌نشینی دیجیتال منجر شود. این موضوع در مناطق روستایی و میان برخی اقلیت‌های قومی و مهاجران در کشورهای خلیج فارس محسوس است. (Salem, 2017: 65)

۴. پیامدهای امنیتی تحول ساختار دولت در عصر فضای مجازی:

الف. افزایش آسیب‌پذیری در برابر تهدیدات سایبری

وابستگی فزاینده به فناوری اطلاعات، دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس را در معرض حملات سایبری، جاسوسی دیجیتال و جنگ اطلاعاتی قرار داده است. حملات سایبری به زیرساخت‌های انرژی و مالی در عربستان سعودی مانند ویروس شامون در سالهای ۲۰۱۲ و ۲۰۱۶ نمونه‌ای بارز از این آسیب‌پذیری است. (Bronk & Tikk-Ringas, 2013: 72)

ب. نظارت و کنترل فزاینده

در پاسخ به تهدیدات امنیتی و تحولات اجتماعی، دولت‌ها سیاست‌های نظارتی سخت‌گیرانه‌ای در فضای مجازی اتخاذ کرده‌اند. استفاده از فناوری برای نظارت بر رفتار کاربران، ردیابی فعالیت‌های مخالفان، و مسدودسازی محتوا، بخشی از استراتژی‌های امنیت ملی در این کشورهاست (Deibert, 2015: 63). این رویکرد، اگرچه موجب ثبات امنیتی در کوتاه‌مدت می‌شود، اما می‌تواند مشروعیت سیاسی و اعتماد عمومی را در بلندمدت تهدید کند.

ج. ظهور تهدیدات نرم و نفوذ گفتمانی

فضای مجازی به ابزار نفوذ گفتمان‌های رقیب، جریان‌های افراطی، و بازیگران غیردولتی بدل شده است. داعش، اخوان المسلمین، و برخی جنبش‌های اپوزیسیون، از شبکه‌های اجتماعی برای جذب نیرو، تبلیغات و بسیج عمومی استفاده کرده‌اند. (Awan, 2017: 10) این موضوع، دولت‌ها را با چالش‌های پیچیده‌ای در حوزه امنیت نرم مواجه کرده است.

بررسی تطبیقی و تحلیل یافته‌ها

بررسی شواهد تجربی نشان می‌دهد که فضای مجازی در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، علی‌رغم وجود سانسور و محدودیت‌های گسترده، توانسته زمینه‌هایی برای تغییر در رابطه سستی دولت-ملت فراهم کند. آگاهی عمومی نسبت به فساد، ناکارآمدی و مسائل حقوق بشری

افزایش یافته است. بسیج اجتماعی مجازی در برخی بحران‌ها و کمپین‌های مدنی تسهیل گردیده است. همچنین نخبگان دیجیتال و اینفلوئنسرهای سیاسی، به‌ویژه در توئیتر ظهور یافته اند. در اینجا به بررسی تطبیقی فضای مجازی در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس می‌پردازیم.

الف. عربستان سعودی

- سیاست رسمی: ترکیبی از توسعه دیجیتال (چشم‌انداز ۲۰۳۰) و سرکوب سایبری
- نمونه: دستگیری فعالان مجازی (از جمله موارد مربوط به توئیتر)
- نتیجه: افزایش ابزارهای کنترل هوشمند اما با پیامدهایی برای مشروعیت سیاسی

ب. کویت

- نسبتاً بازتر از سایر کشورهای منطقه
- وجود فضای نقد در شبکه‌های اجتماعی بویژه در موضوع فساد دولتی
- نمونه: کمپین‌های ضد فساد و فشار بر پارلمان برای پاسخ‌گویی
- نتیجه: فضای مجازی به‌عنوان ابزاری برای شفافیت و مسئول‌سازی دولت

ج. بحرین

- فضای مجازی یکی از ابزارهای کلیدی در اعتراضات ۲۰۱۱ بود
- دولت پس از اعتراضات، سیاست‌های سرکوب گسترده سایبری را در پیش گرفت
- نتیجه: تضعیف جامعه مدنی مجازی، اما تداوم نارضایتی نهفته

د. امارات و قطر

- استفاده گسترده از فناوری برای مدرنیزاسیون دولت
 - در عین حال، کنترل کامل بر فضای عمومی مجازی و عدم تحمل انتقاد
 - نمونه: محدودسازی آزادی بیان و نظارت گسترده بر کاربران
- با نگاهی تطبیقی در جدول زیر می‌توان به فضای مجازی موجود در کشورهای شورای

همکاری خلیج فارس پی برد:

پیامد برای دولت/ملت	واکنش دولت	نقش فضای مجازی	سطح آزادی اینترنت	کشور
کاهش مشروعیت سنتی	سرکوب سایبری	آگاهی‌بخشی + تهدید سیاسی	پایین	عربستان
فشار برای اصلاح	نیمه‌باز	مسئول‌سازی دولت	متوسط	کویت
ضعف مشروعیت داخلی	سرکوب شدید	بسیج اعتراضی	پایین	بحرین
اقتدارگرایی دیجیتال	کنترل کامل	مدرنیزاسیون بدون دموکراسی	پایین	امارات و قطر

فضای مجازی، به‌رغم محدودیت‌های گسترده، تأثیر انکارناپذیری در تغییر ساختارهای سستی قدرت در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس داشته است. این فضا سبب شده است مفاهیمی چون مشروعیت، پاسخ‌گویی، مشارکت سیاسی و هویت ملی با چالش‌هایی نوین مواجه شوند. گرچه واکنش دولت‌ها عمدتاً مبتنی بر «اقتدارگرایی سایبری» بوده، اما روند تحولات نشان‌دهنده قدرت رو به رشد جامعه دیجیتال در بازتعریف رابطه دولت و ملت است.

تحلیل نظری و تطبیقی داده‌ها نشان داد که فضای مجازی به‌عنوان یک واقعیت نوظهور، نظم سستی دولت-ملت را در منطقه به چالش کشیده و در فرآیندهای آگاهی‌بخشی، مشارکت سیاسی، و مسئول‌سازی حاکمیت‌ها نقش مهمی ایفا کرده است. کشورهای این منطقه، گرچه دارای ساختارهای اقتدارگرا هستند، اما از طریق بستر فضای مجازی با شکلی از جامعه مدنی دیجیتال مواجه شده‌اند که می‌تواند نظم مستقر را تحت تأثیر قرار دهد.

الگوی مواجهه دولت‌ها با فضای مجازی متفاوت است؛ درحالی‌که کشورهای نظیر عربستان و امارات بیشتر به کنترل هوشمند و نظارت گسترده گرایش دارند، کویت رویکردی بازتر را اتخاذ کرده و فضاهایی برای نقد و گفت‌وگو فراهم آورده است. تحول ساختار دولت-ملت در این کشورها، به‌ویژه از منظر مشروعیت، انحصار اطلاعات و نحوه مدیریت شهروندی، در حال دگرگونی است.

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر با هدف بررسی نقش و جایگاه فضای مجازی در تحول ساختار دولت/ملت در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس انجام شد. بر پایه مبانی نظری همچون «اقتدارگرایی دیجیتال» و «جامعه مدنی دیجیتال» و با تمرکز بر ابعاد سیاسی و حاکمیتی، تحلیل داده‌ها و شواهد موجود نشان داد که فضای مجازی در این کشورها به‌رغم محدودیت‌ها و کنترل‌های گسترده دولت‌ها، توانسته است زمینه‌هایی برای تحول در روابط دولت و ملت فراهم آورد.

فضای مجازی به‌عنوان بستری برای آگاهی‌بخشی عمومی، انتشار مطالبات مردمی، بسیج سیاسی، و همچنین بیان انتقادات نسبت به حاکمیت، باعث شده است تا دولت‌ها ناگزیر به پاسخ‌گویی، تنظیم سیاست‌های جدید رسانه‌ای، یا حتی در مواردی اصلاحات محدود در حوزه حکمرانی دیجیتال شوند. در عین حال، دولت‌های عضو شورای همکاری خلیج فارس نیز از این فضا به‌طور فزاینده‌ای برای حفظ اقتدار خود، مهندسی افکار عمومی و کنترل جریان‌های اطلاعاتی بهره‌برداری کرده‌اند.

دولت‌های منطقه با استفاده از ظرفیت‌های فضای مجازی، به سمت هوشمندسازی خدمات و حکمرانی داده‌محور حرکت می‌کنند که می‌تواند کارایی و اثربخشی حاکمیت را افزایش دهد. مشارکت، شفافیت و پاسخگویی دولت‌ها افزایش یافته و شهروندان نقش فعال‌تری در فرایندهای حکمرانی ایفا می‌کنند. این امر هم می‌تواند به تقویت مشروعیت دولت منجر شود و هم در صورت ضعف مدیریت، به افزایش شکاف دولت-ملت و بی‌ثباتی سیاسی بیانجامد. برای بهره‌گیری از فرصت‌های فضای مجازی و کاهش تهدیدات آن، دولت‌های عضو شورای همکاری خلیج فارس باید به تدوین سیاست‌ها و چارچوب‌های حقوقی و امنیتی نوین بپردازند و همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را تقویت کنند.

فضای مجازی، ساختار دولت-ملت را در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به سمت شبکه‌ای، رسانه‌ای، مجازی و فراملی شدن سوق داده است. این تحول، فرصت‌هایی برای کارآمدی و مشارکت بیشتر، و در عین حال چالش‌هایی در حوزه امنیت، مشروعیت و ثبات سیاسی ایجاد کرده است. موفقیت دولت‌ها در این مسیر، وابسته به میزان تطبیق‌پذیری، هوشمندی و توانایی آن‌ها در سیاستگذاری و حکمرانی در عصر دیجیتال خواهد بود.

یافته‌های این تحقیق تأیید می‌کند که فضای مجازی به یک عنصر مهم در تغییر تدریجی ساختار دولت/ملت در کشورهای منطقه تبدیل شده و در تعامل با روندهای سستی قدرت، نقش پیچیده‌ای ایفا می‌کند. این نقش، نه صرفاً در جهت تضعیف اقتدار سیاسی بلکه در چارچوبی تعاملی، موجب شکل‌گیری الگوهای نوین مشروعیت، مشارکت و کنش سیاسی شده است. در نتیجه، فرضیه اصلی تحقیق مبنی بر تأثیرگذاری فضای مجازی بر تحول ساختار دولت/ملت در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، به‌ویژه در سطوح سیاسی و حاکمیتی، مورد تأیید قرار می‌گیرد.

تحول دولت-ملت در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، هم‌زمان با گسترش فناوری‌های دیجیتال، الگویی چندلایه و متناقض از فرصت و تهدید را پدید آورده است. در حالی که دولت‌ها با بهره‌گیری از ابزارهای فناوری به سمت حکمرانی مشارکتی‌تر و کارآمدتر حرکت می‌کنند، با چالش‌هایی نظیر تهدیدات سایبری، نابرابری دیجیتال و تضعیف مشروعیت در مواجهه با مطالبات نوین جامعه نیز روبرو هستند.

تحول ساختار دولت در عصر فضای مجازی، پدیده‌ای فراتر از صرفاً فناورانه است و دگرگونی‌های عمیق نهادی، گفتمانی و کارکردی در پی داشته است. کشورهای شورای همکاری

خلیج فارس، که از یک سو با چالش‌های ساختارهای سنتی قدرت و از سوی دیگر با آرمان‌های توسعه مدرن روبه‌رو هستند، در خط مقدم این تحولات قرار گرفته‌اند.

ساختار دولت در این کشورها به واسطه فناوری اطلاعات، به شکلی شبکه‌ای، رسانه‌ای، مجازی و فراقلمرویی در حال تحول است. این دگردیسی، فرصتی برای افزایش شفافیت، کارآمدی، مشارکت شهروندی و توسعه اقتصادی فراهم کرده است، اما همزمان مجموعه‌ای از چالش‌های اجتماعی و امنیتی نوین را نیز ایجاد کرده است.

در بعد اجتماعی، فضای مجازی به ابزار بیان هویت‌های جدید، ارتقای تعامل دولت و مردم و نیز عاملی برای شکل‌گیری نوعی سرمایه اجتماعی دیجیتال بدل شده است. اما در سوی مقابل، نابرابری دیجیتال و شکاف میان نسل‌ها یا طبقات اجتماعی، می‌تواند منجر به شکاف‌های تازه در جامعه شود.

در بعد امنیتی، دولت‌ها در حالی که با تهدیدات فرامرزی سایبری، گفتمان‌های افراطی و حملات اطلاعاتی مواجه‌اند، ناچار به توسعه زیرساخت‌های نظارتی و سیاست‌های امنیتی در فضای مجازی شده‌اند. این امر گرچه تا حدی به حفظ نظم عمومی کمک می‌کند، اما در بلندمدت می‌تواند مشروعیت سیاسی و اعتماد عمومی را تضعیف کند، به‌ویژه اگر سیاست‌های محدودکننده با مشارکت عمومی همراه نباشد.

در نهایت، تحول دولت-ملت در عصر دیجیتال برای کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، فرصتی استراتژیک اما پرمخاطره است. موفقیت در مدیریت این گذار، نیازمند تلفیق حکمرانی هوشمند، توسعه زیرساخت‌های انسانی و فناورانه، و مهم‌تر از همه، تعامل مسئولانه میان دولت و جامعه در فضای دیجیتال است. آینده موفق این تحول، وابسته به ایجاد تعادل میان توسعه فناوری، امنیت، و حفظ اعتماد اجتماعی است.

منابع:

۱. آقایی، سید داوود، و دیگران، (۱۳۹۱). «واکاوی نقش اینترنت و رسانه‌های جدید اجتماعی در تحولات منطقه خاورمیانه و شمال افریقا (اطلاع رسانی، سازماندهی و گسترش سریع تحولات)، فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، شماره دوم.
۲. ابراهیمی، م (۱۳۹۹)، "سیاست‌گذاری فضای مجازی در دولت‌های اقتدارگرا: مطالعه موردی

- کشورهای شورای همکاری خلیج فارس"، *فصلنامه سیاست*، ۵۰(۲)، ۸۷-۱۱۲.
۳. جعفری، ف. و آقایی، س (۱۴۰۰)، "نقش رسانه‌های نوین در بازتعریف مشروعیت سیاسی دولت‌ها در خاورمیانه"، *پژوهش‌های ارتباطات*، ۲۷(۳)، ۵۵-۷۸.
۴. رحمانی، ن (۱۳۹۸)، "تحول مفهوم ملت در عصر دیجیتال: بررسی نقش رسانه‌های اجتماعی در جوامع اقتدارگرا"، *فصلنامه علوم سیاسی*، ۳۱(۱)، ۱۰۵-۱۲۸.
۵. میرکوشش، امیرھوشنگ و درجانی، حسین، (۱۳۹۱). «نقش شبکه‌های اجتماعی در تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا»، *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین الملل*، دوره دوم، شماره اول.
۶. نوری، ه (۱۴۰۱)، "اقتدارگرایی سایبری در کشورهای عربی: ابزاری برای کنترل یا ابزار بحران؟"، *مطالعات جهان عرب*، ۱۷(۲)، ۴۴-۶۹.
۷. نیاکویی، سید امیر، (۱۳۹۰). «تحولات اخیر خاورمیانه و شمال آفریقا: ریشه‌ها و پیامدهای متفاوت»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال سوم، شماره چهارم.
8. Al-Khourri, A. M. (2012). *Government Strategies: The Case of the United Arab Emirates (UAE)*. European Journal of Practice.
9. Al-Kandari, A. A., & Dashti, A. A. (2014). Social media in Kuwait: Redefining relationships among youth. *Global Media Journal*.
10. Anderson, B. (2015). *Imagined Communities: Reflections on the Origin and Spread of Nationalism*.
11. Aouragh, M., & Alexander, A. (2011). The Egyptian experience: Sense and nonsense of the internet revolution. *International Journal of Communication*, 5, 1344-1358.
12. Al-Rawi, A. (2016). *Cyber activism in the Arab World*.
13. Awan, I. (2017). *Cyber Extremism: ISIS and the Power of Social Media*. Social Science and Public Policy.
14. Bronk, C., & Tikk-Ringas, E. (2013). *The Cyber Attack on Saudi Aramco*. Survival.
15. Bronk, C., & Tikk-Ringas, E. (2013). *The Cyber Attack on Saudi Aramco*. Survival.
16. Deibert, R. (2015). *Authoritarianism Goes Global: Cyberspace Under Siege*.
17. Deibert, R., Palfrey, J., Rohozinski, R., & Zittrain, J. (Eds.). (2010). *Access Controlled: The Shaping of Power, Rights, and Rule in Cyberspace*. MIT Press.
18. Castells, M. (2009). *Communication Power*. Oxford University Press.
19. Chadwick, A. (2007). *Digital Network Repertoires and Organizational Hybridity*. Political Communication.

20. Deibert, R. (2013). *Black Code: Surveillance, Privacy, and the Dark Side of the Internet*.
21. Freedom House. (2023). *Freedom on the Net: The Global Drive to Control Big Tech*. Retrieved from <https://freedomhouse.org>
22. Fountain, J. E. (2001). *Building the Virtual State: Information Technology and Institutional Change*. Brookings Institution.
23. Howard, P. N., & Hussain, M. M. (2013). *Democracy's Fourth Wave? Digital Media and the Arab Spring*. Oxford University Press.
24. Kraidy, M. M. (2013). *The Politics of Reality Television: Global Perspectives*.
25. Lynch, M. (2011). *Voices of the New Arab Public: Iraq, al-Jazeera, and Middle East Politics Today*. Columbia University Press.
26. Nye, J. S. (2010). *Cyber Power*. Belfer Center, Harvard.
27. Thompson, J. B. (2005). *The New Visibility*. Theory, Culture & Society.
28. Salem, F. (2017). *Arab Social Media Report*. MBR School of Government.